

عبیدی سهروردی

قرن نوزدهم میلادی، دوره باروری و شکوفایی مطالعات زبان و ادبیات فارسی در ایالت بنگال بود و شعرا و ادبای آن زمان، در عهد حکومت انگلیسی‌ها، با حمایت و سرپرستی حکمرانان فرنگی در ترویج محیط ادبی در این منطقه سعی بلیغ نمودند. در نتیجه، زبان فارسی به خصوص شعر در قرن نوزدهم میلادی بسیار پیشرفت کرد. یکی از برجسته‌ترین شاعران فارسی آن دوره در بنگاله، «عبیدی سهروردی» بود که به سبب داشتن مهارت در دیگر علوم و فنون و موفقیت‌های فوق‌العاده در زمینه فرهنگ و ادب، به «بحرالعلوم» ملقب گشت.^۱

عبیدی سهروردی که نام اصلی او عبیدالله بود و به «عبیدی» تخلص می‌کرد، از حوزه سهرورد در ایران بود و به خانواده اشراف ارتباط داشت. سلسله نسب وی به حضرت شیخ شهاب‌الدین سهروردی (م: ۶۳۲ هـ/ ۱۲۳۴ میلادی) می‌رسد که از معروف‌ترین صوفیان آن عصر به شمار می‌رفت. نیاکان عبیدی در عهد سلاطین مغول از ایران به هند مهاجرت کرده به بنگال قدم نهادند و در قریه «داس پور چیتوا» در ناحیه «میدناپور» (Midnapur) اقامت گزیدند.^۲

عبیدی در روز ۱۴ سپتامبر سال ۱۸۳۴ م. مطابق با ششم جمادی‌الثانی ۱۲۵۰ هجری، از همان خاک برخاست و در عهد کودکی از پدر بزرگوارش که خود صوفی بوده و «شاه امین‌الدین» نام داشت، علوم مقدماتی را فراگرفت. بعد از آن به کلکته آمد و در مدرسه عالی کلکته (دانشگاه عالی کنونی) که آن زمان مرکز عالی آموزش و پرورش

۱. دکتر محمد فیروز، Obaidi: A Persian Poet of Nineteenth Century Bengal, P 21.

۲. انتخاب فارسی، هیأت معارف ثانوی بنگاله غربی، ص ۴۴۹.

بود، تحصیلاتش را تکمیل نمود.^۱ در آن وقت، دانشمندان معروف ایرانی از قبیل «میرزا عبدالرزاق اصفهانی» و «عبدالرحیم دهری» که در بنگاله می‌زیستند، تأثیر زیادی بر عبیدی گذاشتند. عبیدی در سال ۱۸۶۵ م. در دانشکده هوگلی که بعدها دانشکده «هوگلی محسن» نامیده شد، به سمت پروفیسور در بخش عربی منصوب گشت و تا سال ۱۸۷۴ م. به خدمت ادامه داد. وی در علوم ستاره شناسی، عرفان، لغت شناسی، جغرافیا و ادب مهارتی بسزا داشت و علاوه بر زبان بنگالی که زبان مادری‌اش بود، به زبان‌های اردو، عربی، فارسی، سانسکریت، انگلیسی، عبرانی، یونانی و لاتین تسلط کامل داشت.^۲ در آن زمان در کلکته روزنامه‌ای به نام «دوربین» به زبان فارسی منتشر می‌شد، عبیدی برای چند روز مدیریت آن را بر عهده داشت و از طریق این روزنامه، به بیداری مسلمانان بنگاله پرداخت و توجه ایشان را به تحصیل زبان انگلیسی مبدول گردانید. این اقدامات مهم باعث گردید که عبیدی جایگاهی ویژه در نظر دولت انگلیسی به دست آورد و از جانب حکومت، در محافل شاهانه شرکت جوید. عبیدی با نوابین بزرگ، امرای دولتی، علما، فضلا، شعرا و ادبای آن عصر نیز، ارتباط و همنشینی داشت و بر حسب حال و مواقع در شأن آنان قصیده‌ها به زبان فارسی می‌سرود و مورد تحسین قرار می‌گرفت.^۳

عبیدی که فطرتاً معارف پرور بود، میان دانشمندان برجسته و شخصیت‌های ادب نواز آن دوره بسیار مورد تحسین بود. وی با مؤسسه انجمن علمی که «سر سید احمد خان» (م: ۱۸۹۸ م.) آن را در سال ۱۸۶۴ م. دایر کرده بود، ارتباط داشت و در اجلاس آن هم شرکت می‌جست. وقتی که سر سید احمد خان در سال ۱۸۷۵ م. مدرسه‌ای به نام «دانشکده اسلامی انگلیسی شرقی» برای مسلمانان هند در شهر علیگر تأسیس نمود، عبیدی یکی از رؤسای خاص آن بود.^۴

۱. دکتر محمد فیروز، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۲۳-۲۴.

۳. همان، ص ۲۴.

۴. همان، ص ۲۴-۲۵.

عبیدی در سال ۱۸۷۴ م. برای احیای علوم اسلامی در بنگاله به شهر داکا مسافرت نمود و در آنجا تا پایان زندگانی اش خدمات ارزنده‌ای ارائه کرد. در آن زمان، شهر داکا بعد از کلکته از لحاظ آموزش و پرورش و ثقافت و فرهنگ مرکزیت داشت. از فعالیت‌های مهم وی در این زمینه، می‌توان از تأسیس مدرسه عالی کلکته، تأسیس دانشکده‌ای موسوم به مدرسه «جهانگیرنگر» در داکا نام برد که تا واپسین روزهای حیاتش، مدیریت آن مرکز علمی را بر عهده داشت. این شخصیت بزرگ و ارجمند که مانند ستاره‌ای تابناک، در افق فلک می‌درخشید، سرانجام برحسب مشیت الهی در روز ۲۵ فوریه در سال ۱۸۸۵ م. (نوزدهم ربیع الثانی ۱۳۰۲ هـ) برای همیشه غروب کرد.^۱

چنانکه ذکر گردید، عبیدی سرپرست و حامی علم و دانش و هنر پرور بود و در علوم و فنون گوناگون استعداد کاملی داشت، وی در زمینه علم و ادب و فلسفه به زبان‌های اردو، فارسی، عربی و انگلیسی، کتابهای گرانقدری تالیف کرد که تعداد آنها به پنجاه و دو می‌رسد.^۲ از آثار ارزنده وی می‌توان به «دستور فارسی آموز» در پنج جلد و دیوان اشعارش به زبان فارسی اشاره کرد که وی را به عنوان شاعر معروف فارسی مطرح کرده است.^۳ دیوان عبیدی که «خرابات عبیدی» نامیده می‌شود، در سال ۱۳۰۰ هـ/ ۸۳-۱۸۸۲ م. در کلکته به زیور چاپ آراسته شد.^۴

دیوانش شامل قصیده، غزل، مثنوی و رباعیات، قدرت تمام و حکمت نظام داشت که مورد توجه اهل ذوق و ادب می‌باشد. اکنون به نمونه‌ای از کلام وی اشاره می‌گردد. ابتدا این شعر ملاحظه شود که نژاد اصلی عبیدی و فصاحت کلام وی را نشان می‌دهد:

ز خاک هند منم لیک پارسی‌ام ببین فصاحتم به تو گوید که هستم از ایران^۵

۱. دکتر محمد فیروز، ص ۲۶.

۲. انتخاب فارسی، ص ۴۵۰.

۳. مقاله دکتر محمد فیروز به موضوع " Calcutta: A Rendezvous of Persian Poets in the 19th Century", Published in Indo-Iranica, Kolkata, vol. 43, No. 324, P. 80.

۴. دکتر محمد فیروز، ص ۳۷.

۵. همان، ص ۶۴.

اینک نمونه‌ای از غزل‌های عبیدی که شامل تشبیهات، لطافت خیال و سحرانگیزی کلام است:

در پیچ و خم زلف تو صد شام غریبان در صفحه رخسار تو بس صبح وطن‌ها
 در عارض گلگون تو گل کرده گل حسن در ساعت سیمین تو بشکفته سمن‌ها
 در چاه زنج گشته دلم غرق و لیکن آویخته هر سوی ز گیسوت رسن‌ها^۱
 عبیدی صوفی نبود ولی غزل‌های وی خصایص صوفیانه دارد. به غزل زیر توجه کنید:
 گر صفای قلب خواهی، طالب میخانه باش
 و در جلالی عقل جوئی، همدم دیوانه باش
 صفحه دل را ز نقش غیر حق پرداز زود
 خواه در مسجد نشین و خواه در بتخانه باش
 سوختن چو شمع در محفل نه کار عاشق است
 در گداز و سوز باطن، همسر پروانه باش
 یاد دار از موبد هشیار این نکته عبید
 هر چه باشی باش، اما اندکی دیوانه باش^۲
 وقتی که شاهزاده ویلز در سال ۱۸۷۵ م. به هند آمد و به کلکته قدم نهاد، عبیدی از
 وی به گرمی پذیرایی کرد و در شأن او قصیده‌ای سرود که بسیار خوش آهنگ و
 نیروبخش بود؛ عبیدی می‌گوید:
 بنواز از خرمی ای دل که شاه تاجدار آمد
 به باغ ملک هندوستان تو گویی نوبهار آمد
 نهال خوشدلی بنشان، بکن بیخ حزن از جان
 که شاهنشاه انگلستان، کنون بر تخت بار آمد
 بده ساقی شرابی خوش، بزن مطرب ربابی خوش
 برقص ای دلبر مهوش، که شاه کامکار آمد
 زهی بخت بلند ساکنان شهر کلکته
 که از دیدار شه نخل امیدشان به بار آمد

۱. دکتر محمد فیروز، "Obaidi"، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۵۴-۵۵.

ندیده چشم این کشور چو او شهزاده‌ای دیگر

که از ملک فرنگ ایدر به سوی این دیار آمد^۱

مثنویات عبیدی، دربردارنده پند و اندرز و مطالب اخلاقی می‌باشد. وی شاید نخستین شاعر هند بود که مثنوی شکسپیر به عنوان «انتونی و کلئوپاترا» را که شهرت جهانی دارد، از انگلیسی به فارسی به نظم درآورد. این مثنوی به سبک مثنوی نظامی گنجوی با عنوان «شیرین و خسرو» یکی از موفقیت‌های بزرگ عبیدی در زمینه شعرگویی شمرده می‌شود و تعداد ابیات آن به هفتصد و ده می‌رسد. تعدادی از ابیات این مثنوی آورده می‌شود:

گزیدم بهر نظم از خاطر خوش	یکی نو داستان شیرین و دلکش
ز تاریخ کهن خوش داستانی	که در انگلش زبان بوده نهانی
در انگلش شاعری بس بی‌نظیر است	که نامش شکسپیر و شیخ پیر است
نموده نظم این شیرین حکایت	به انگریزی زبان با صد بلاغت
کهن باشد اگر چه آن فسانه	ولسی پیش دری دان زمانه
بود نو داستان تازه رنگین	بود شیرین تر از احوال شیرین ^۲

در حقیقت، این مثنوی یکی از عمده‌ترین آثار و اضافه‌ترین آثار به مثنویات فارسی در هند می‌باشد که باعث افزایش شهرت عبیدی گردید.

رباعیات عبیدی هم درخور اعتناست. در رباعی زیر، عبیدی در ضمن حمد و ستایش هستی لم یزل، عجز و انکسار و فروتنی خودش را نشان می‌دهد:

ای که مدح تو ز اندیشه من افزون است	ز آنچه اندیشه کنم مدحت تو بیرون است
قلم از حصر ثنای تو همی دلریش است	بر سر کاغذ از این فکر سرش وارون است ^۳

سید امیر علی، شخصیت برجسته و داور سرشناس بنگال در نامه‌ای به عبیدی

۱. مقاله دکتر محمد فیروز به موضوع «عبیدی» چاپ شد. در مجله Arabic and Persian Studies No. 1 (1981-82) PP. 61-73.

۲. مقاله دکتر محمد فیروز به موضوع Shakespeare Theme in Persian Verse: Antique Example from Nineteenth Century Bengal, Journal Indo-iranica, Kolkata, No. 1-4, vol. 37, 1984, P. 137-138.

۳. انتخاب فارسی، ص ۳۸۸.

نوشت که نامش در لندن خیلی معروف است. عبیدی در جوابش این رباعی را نوشت:
 ز توست شهرتم ار شهرتی مرا باشد وگر نه نامم در لندن از کجا باشد
 شمیم سنبل و ریحان کجا رود تا دور اگر نه حامل آن قاصد صبا باشد^۱
 با توجه به نمونه‌های کلام عبیدی که شرح آن در این گفتار آمده می‌توان گفت که
 عبیدی، در زبان فارسی، شاعری برجسته بود و اشعارش که حاوی قدرت زبان و بیان و
 فصاحت و بلاغت و شیرینی و دلکشی می‌باشد، به وی شهرت جاودانه بخشید
 همانطور که خودش می‌گوید:
 در جهان نیست عبیدی که دوامی دارد از سخن لیک بین نام دوامست مرا^۲

منابع

۱. انتخاب فارسی، هیأت معارف ثانوی بنگاله غربی، کلکته ۱۹۷۲ میلادی.
۲. فیروز، محمد، Obaidi: A Persian Poet of Nineteenth Century Bengal, Kolkata 2005.
۳. فیروز، محمد، Arabic and Persian Studies (Journal of the Department of Arabic and Persian, Calcutta University) No. 1 (1981-82).
۴. فیروز، محمد، Shakespeare Theme in Persian Verse: Antique Example, Indo-iranica, Journal from 19th Century, Kolkata, Bengal, No. 1-4, vol. 37, 1984.

۱. انتخاب فارسی، ص ۳۸۹

۲. دکتر محمد فیروز، "Obaidi"، ص ۲۹.